



علی‌ها، علی‌محمدی / ایران

گزارشی از یک کمپ ترک اعتیاد در «ملکشاهی» ایلام

در حق خودت پدری کن

مریم طالبی

که در تمام نقاط کشور وجود دارد، بعضی جاها کمتر و بعضی جاها بیشتر. آن طور که فتاحی نیا می‌گوید، در ایلام قبلا کسانی که درگیر اعتیاد می‌شدند، بالای ۳۰ سال بودند و مدل مصرفی شان سنتی بود؛ یعنی تریاک و شیره، الاما این طریقی مشاهدات، رده سنی پایین آمده و مدل مصرفی، صنعتی شده، بیشتر هم شیشه، او می‌گوید: «چند سالی است که کراک اصلا در استان نیست، بیشتر شیشه و هروئین است. آمار اعتیاد از وقتی مواد صنعتی آمده، بیشتر شده. ارزان و دم دست است. می‌گفتند شیشه مثبتی ندارد، یعنی آزمایش که بدهید، در آزمایش معلوم نمی‌شود. می‌گفتند برای ترک تریاک آمده و انرژی‌زاست، به همین دلیل...

مصرف آن بالا رفت. بعضی دانشجویان مصرف می‌کردند چون بی‌خوابی می‌آورد. ما موارد زیادی داشتیم که دانشجوی بودند و به شیشه اعتیاد داشتند. اوایل اش انرژی کاذبی می‌دهد و طرف را دچار توهم می‌کند. بعد می‌فهمد که چه اشتباهی کرده است.» مددجویان با کنجکاوی نگاه می‌کنند. یکی شان ملاقاتی دارد؛ مادر و پسرش. مادر کیسه بزرگ پر از زرد آلو را روی میز آلاچیق حیاط می‌گذارد و گرم صحبت با پسر می‌شود. رضا خودش از مادر خواسته کاری برایش نکنند. تنها فرزند خانواده است. پدر ندارد: «از سال ۷۵ اعتیاد داشتم، ۱۸ ساله...

می‌خواهم دوباره برگردم دانشگاه. اصلا دیگر امکان ندارد سمت اعتیاد برگردم. خودم به خانواده گفتم، گفتند فقط مواد نکش، هرکاری بخواهی می‌کنیم برات. تا ۷ روز دیگر باید اینجا باشم.» می‌گویند حمید وضعیتش خیلی خاص است؛ سه تا بد داشته. کنار ایستاده و نگاهش به وسایل ورزشی است که در محوطه دیده می‌شود. ۴۱ ساله است، اعتیاد به شیشه. قبلش حبسش مصرف می‌کرده. ۲۲ روز است اینجاست. دوتا بچه دارد: «خودم هم نمی‌دانم زندگی‌ام چطور تا اینجا گذشته. ۱۵ سال زندان کشیدم به خاطر فروش مواد مخدر، سه تا باید دارم. ۲ بار عفو شدم. بار سوم ۱۰ سال زندان کشیدم و الان آزادی مشروط دارم. گفتند کوچکترین خلافی ازت سرزنند دوباره برمی‌گردی زندان. اینجا به میل خودم نیامدم برادرم مرا آورد اما الان به میل خودم هستم. ۲۱ روز تمام شد و گفتم ۲۱ روز دیگر می‌مانم. نگران آلوده شدن نیستم. باید خودم در ذهن خودم قبول کنم که ترک کرده‌ام. الان سن اعتیاد پایین آمده. از قدیمی‌ها هرکسی را بیرون دیدم ترک کرده بودند. الان جوان‌ها درگیر هستند. من در ایلام و تهران هروئین خرید و...

مددجویان با کنجکاوی نگاه می‌کنند. یکی شان ملاقاتی دارد؛ مادر و پسرش. مادر کیسه بزرگ پر از زرد آلو را روی میز آلاچیق حیاط می‌گذارد و گرم صحبت با پسر می‌شود. فرزند خودش از مادر خواسته کاری برایش نکند. تنها ۱۸ ساله بودم. همان سال اول دانشگاه اعتیاد پیدا کردم. تعطیلات دانشگاه برای کار رفتم بندرعباس. روی کشتی کار می‌کردم. حین باربری مهره کمرم جابجا شد؛ درد داشتم. رفتم پیش پیرزنی که گفت چیزی می‌دهم که درد خوب شود. آنجا بود که با تریاک آشنا شدم...

نیم نگاه

فرشید ۲۰ ساله است؛ متولد ۷۶، لاغر اندام. یک ترم دانشگاه خوانده و قبل قبول خودش جامانده. اهل ملکشاهی است. شیشه مصرف می‌کرده. دو سال پیش شروع کرده. زمانی که پیش دانشگاهی بود. خودش می‌گوید: به خاطر رفیق بد. من اصلا سیگار هم نمی‌کشیدم اما یک رفیقی داشتم که خانواده هرچه می‌گفتند بسا این نگرده، گوش نمی‌دادم. درگیر شدم. خودم اختیاری برای ترک آمده‌ام. ۱۲ روز است اینجا هستم. دانشگاه را اول نکرده و می‌خواهم دوباره برگردم دانشگاه. اصلا دیگر امکان ندارد سمت اعتیاد برگردم. خودم به خانواده گفتم، گفتند تو فقط مواد نکش، هرکاری بخواهی می‌کنیم برات...

بازی است؛ بسکتبال. همان جا که زیر سبد بسکتبال نصب شده به دیوار نوشته‌اند: «در حق خود پدری کن.» انتهای سالن خوابگاه قرار دارد. نور ملایمی به داخل آن تابیده و تخت‌های دو طبقه کنار دیوار مرتب چیده شده‌اند. هوای خوابگاه خنک و مطبوع است. مددجویان بعد از یک هفته اول دیگر در خوابگاه می‌خوابند. صدایشان از حیاط به گوش می‌رسد. دارند سمت سالن حوضچه آب گوشه راست سالن هم برای این است که وقتی بر اثر خماری دمای بدنشان بالا رفت، داخل آن شوند تا دمای بدن پایین بیاید. در همان سالن میز بیلیارد نوبی قرار دارد. سالن پشتی هم زمین...

عمارت در واقع سالن بزرگی است که در منتهی الیه سمت راست محوطه قرار دارد. اتاق سم زدایی همان ابتدای ورود به سالن سمت چپ است. اتاقی با فرش‌های زمینه لاکه و پشتی‌هایی که به دیوار تکیه داده شده‌اند. مددجویان هفته اول را آنجا می‌گذرانند. همان وقت که خماری و بیقراری ندارد و دلیل اینکه اتاق تخت ندارد هم همین است. چون ممکن است در اثر خماری از تخت سقوط کنند و آسیب ببینند. حوضچه آب گوشه راست سالن هم برای این است که وقتی بر اثر خماری دمای بدنشان بالا رفت، داخل آن شوند تا دمای بدن پایین بیاید. در همان سالن میز بیلیارد نوبی قرار دارد. سالن پشتی هم زمین...

فروش می‌کردم. آن موقع مشتری‌ها بالای ۳۰ سال بودند. الان همه جوان هستند. در ایلام اعتیاد به خاطر بیکاری است. این نظر من است. شیشه راحت دست‌شان می‌رسد. اینکه می‌گویند شیشه اعتیاد ندارد دروغ است. حتی یک بار مصرفش هم باعث اعتیاد می‌شود. من از سال ۷۴ حبسش می‌کشیدم، دوست داشتم. شیشه را فقط بار اول دوست داشتم ولی بعد دیگر دوست نداشتم. فقط به خاطر اعتیاد مصرف می‌کردم. خیلی وقت‌ها شیشه زیر باشم بوده و فکر کرده‌ام به خاطر اینکه حالم را بد می‌کند مصرف نکنم. کسی که مصرف می‌کند باید هرچیز پولش را جور کند. خرید، فروش یا از دزدی.»

باشم ولی دوباره آلوده شده‌ام. الان حس آزادی دارم و فکر می‌کنم برای خودم کسی شده‌ام و از آن شخصیت کاذب درآمدم. الان خودم هستم.» فرشید ۲۰ ساله است؛ متولد ۷۶، لاغر اندام. یک ترم دانشگاه خوانده و به قول خودش جا مانده. اهل ملکشاهی است. شیشه مصرف می‌کرده. دو سال پیش شروع کرده. زمانی که پیش دانشگاهی بود. خودش می‌گوید: «به خاطر رفیق بد. بار اول دوست داشتم ولی بعد دیگر دوست نداشتم. فقط به خاطر اعتیاد مصرف می‌کردم. خیلی وقت‌ها شیشه زیر باشم بوده و فکر کرده‌ام به خاطر اینکه حالم را بد می‌کند مصرف نکنم. کسی که مصرف می‌کند باید هرچیز پولش را جور کند. خرید، فروش یا از دزدی.»

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

افقی: ۱- سرمربی کروات سپاهان اصفهان ۲- ترویج دهنده - رایانه همراه کوچک و نسبتاً سبک ۳- شهری در استان اصفهان - شهر صنعتی استان قزوین - تفریق ۴- دیوار قلعه - تعجب زن - نوعی حالت نیمه هشیاری توأم با تمرکز در انسان - دختر عرب ۵- از افعال ربطی - فیلمی به کارگردانی اصغر فرهادی - یکی یکی و جدا جدا ۶- مرکز قلیبیین - درخشان - هریک از اخلاط چهار گانه ۷- ماهی زینتی - مرکز ترکیه - هیات ۸- پایین‌ترین سرتیپ - از عناصر ربه - ذخایر زیرزمینی ۹- پسوند تاختن - ماوراءالنهر - سوم شخص جمع ۱۰- ایجاد مانع - محبوب زیبا - شک ۱۱- گناهکار - سرشار - زوبین ۱۲- طریقه و حالت - شب پیش - نت سوم - رشته ۱۳- روستایی از توابع بخش مرکزی آمل - سمبل - شبان ۱۴- چیزی که در ریمن سازند - تور کاهکشی - تفرمانی ۱۵- مرتکب کاری ناسزاوار شدن

افقی: ۱- از عوامل گرمایش زمین ۲- حقیق - بازیچه کودکان - خزنه تیز دندان ۳- صندلی کودک - خدمتکار پیر - بنفش بسیار روشن ۴- پسوند زمان - اثر خیسی - وطن - مقابل فراموشی ۵- واحد مساحت - فرشته مورد غضب - صورتگر ۶- بندری زیبا در بلغارستان - غلاف شمشیر - از غروب تا طلوع آفتاب ۷- مرغابی - بنایی تاریخی در جنوب غربی استرالیا و از جاذبه‌های گردشگری استان لرستان - ضمیر مفعولی ۸- خوش خلق - مخزن آشپز گرانها - تربیت کردن ۹- مزه قلقلی - بی‌تجربه - برادر ۱۰- نام آذری - کاری در کشاورزی - پیوسته و پشت سر هم ۱۱- غذای محلی اردبیل - ورودی و مدخل - کوچک ۱۲- امر گفتن - شمالی‌ترین شهرستان کرمان - رمق - گیره جراحی ۱۳- کاغذ فروش - حکومت هیتلر - جنگ افزاری گرم ۱۴- نام کبانی بازیگر خانم فیلم سینمایی اکسیدان (روی پرده سینماها) - معصیت - فانی ۱۵- یکی از نقاط دیدنی استان گیلان و شهرستان تالش که مسیر زیبا و دیدنی درختان سربه فلک کشیده آن تونلی جنگلی را ایجاد کرده که دل هر بیننده‌ای را بخود می‌برد

عمودی: ۱- شاخه جدیدی از دانش بیولوژی ۲- شهری در استان فارس - نردباز - ماهر - سخت‌ترین حالت هر ماده ۳- بخش اصلی و آهنگین اپرا - آماده شده - محلی در بالای کوه احد ۴- ماه چهارم - ظرف چهار و نیم لیتری - اندرون دهان - از پیشگامان جامعه‌شناسی ۵- اذان گو - عنصر کبریت - یک خودمآلی ۶- تابلویی از روی فاکس لیختنستاین - چیزها - یکی از شهرک‌های اهبواز ۷- اجاره - انباشته شده به روی هم - مقابل جنوب ۸- جانور مکار - جوهر آدمی - ۹- گاه مشکل گشا شود - تکبر - پرتگاه کوهستانی ۱۰- حیوان مردار خوار - جاودانگی - بیماری ۱۱- کم عقل - بزرگ داشتن - نترس ۱۲- نوع خاصی از قارچ با زندگی انگلی - صدای برخورد - جهان - اسلوب ۱۳- وزیر بزرگ - آدمکش - چهره ۱۴- گروه‌گازنده - بزرگ عامیانه - از توابع استان البرز ۱۵- بای اعتباری و فخر فروشی و افاده با کسی برخورد کردن

عمودی: ۱- رمان جاسوسی دست اول جوزف کنو ۲- تخته بزرگ - واحد بوکس - آنفلوانزا ۳- سوغات کرمان - دوستدار - قابل خواندن ۴- میوه باب گلسوا - ورزش چوبدستی - غزوه پنبه - سرنوشت ۵- جنب و آغوش - طناب زندانی - کارتن باز شده کالا ۶- حرفی برای دهان کجی - شهر بزرگ، تاریخی و مهم استان آذربایجان شرقی - نام دخترانه ۷- زرف - وارونه - روی خط آهن می‌رود ۸- پستی - ورزشی درون استخر - نوعی صدای برخورد ۹- آشنا - پرجمعیت‌ترین کشور قاره آفریقا - پوشاک کردن ۱۰- محکم، پایدار - مغازه - کلام چوپان ۱۱- الفبای موسیقی - دوره پس از پایان حمله حاد بیماری - نامدار ۱۲- نشانه فعل استمراری - والده - بیماری التهابی مزمن پوست - آلوده به زهر ۱۳- آسودگی، راحتی - وسیله ساده نگارش - مأمور نظم و قانون ۱۴- قانون جنگیز - همدست - غذای بسته‌بندی شده ۱۵- مهم‌ترین اثر شهیر

حل جدول ویژه شماره ۶۵۶۶

حل جدول عادی شماره ۶۵۶۶



مادرم گفتم کاری برابم بکن. حالا اینجا هستم و خیلی راضی‌ام.» محمود از رضا جوانتر است، ۳۳ ساله، مجرد. موهای روی شقیقه سفید شده اما صورتش جوان است: «۱۵ روز است در مرکز هستم. هروئین مصرف می‌کردم. خودم تریاک آشنا شدم. برای خودم از بندرعباس جنس آوردم. بعد از اینکه در رسم تمام شد، در یکی از ادارات دولتی کارمند شدم. وضعیتم چوری بود که اگر مصرف نمی‌کردم نمی‌توانستم کارم را انجام دهم. پدر نداشتم، کسی نبود که به من بگوید چه کار کنم. مادر هم با اعتیاد آشنا نبود چون توی اقوام معتاد نداشتم. بعضی آشناها فهمیدند و گفتند کارت عاقبت ندارد. یکی دو بار در خانه تریاک را ترک کردم. ۸ سال تریاک مصرف کردم. بعدش مواد جدید آمد. با کراک آشنا شدم؛ گفتند سر حالت...

همان سال اول دانشگاه اعتیاد پیدا کردم. تعطیلات دانشگاه برای کار رفتم بندرعباس. روی کشتی کار می‌کردم. هنگام باربری مهره کمرم جابجا شد؛ درد داشتم. رفتم پیش پیرزنی که گفت چیزی می‌دهم که درد خوب شود. آنجا بود که تریاک آشنا شدم. برای خودم از بندرعباس جنس آوردم. بعد از اینکه در رسم تمام شد، در یکی از ادارات دولتی کارمند شدم. وضعیتم چوری بود که اگر مصرف نمی‌کردم نمی‌توانستم کارم را انجام دهم. پدر نداشتم، کسی نبود که به من بگوید چه کار کنم. مادر هم با اعتیاد آشنا نبود چون توی اقوام معتاد نداشتم. بعضی آشناها فهمیدند و گفتند کارت عاقبت ندارد. یکی دو بار در خانه تریاک را ترک کردم. ۸ سال تریاک مصرف کردم. بعدش مواد جدید آمد. با کراک آشنا شدم؛ گفتند سر حالت...

من در ایلام و تهران هروئین خرید و فروش می‌کردم. آن موقع مشتری‌ها بالای ۳۰ سال بودند. الان همه جوان هستند. در ایلام اعتیاد به خاطر بیکاری است. این نظر من است. شیشه راحت دست‌شان می‌رسد. اینکه می‌گویند شیشه اعتیاد ندارد دروغ است. حتی یک بار مصرفش هم باعث اعتیاد می‌شود...

Hybrid I Learn I am. من یاد می‌گیرم، پس هستم

IRAN DAILY www.iran-daily.com 021-88500601-4